

موسسه انتشارات نگاه
 تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۶۳
 تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸
 وبسایت: www.nagah.com

گزارشگر رازهای نهفت

ردیف	عنوان مقاله	نویسنده	موضوع
۱	مقالاتی در تحلیل آثار و اندیشه‌های هنریک ایبسن		
۱۰	حسرت در آثار ایبسن	ژاله کالیان	اصغر رستگار
۱۷	۳ میندگشتی خدا کالبر	اصغر رستگار	
۲۲	نگاهی به جلدی غروزی: استغفار در آینهٔ آینهٔ ایبسن	اصغر رستگار	
۴۱	۵ جلدی خدا و جلدی غروزی: استغفار در آینهٔ آینهٔ ایبسن		
۱۸۳	۱۰ میندگشتی خدا کالبر		
۲۱۷	۱۰ میندگشتی خدا کالبر		
۲۳۱	۱۰ میندگشتی خدا کالبر		
۲۵۵	۱۰ میندگشتی خدا کالبر		
۲۸۱	۱۰ میندگشتی خدا کالبر		

فهرستِ مقالاتِ کتاب

صفحه	مترجم	نویسنده	عنوانِ مقاله
۷	—	اصغر رستگار	۱ پیشگفتار
۱۵	اصغر رستگار	اوا لو گالی پین	۲ سیری در آثارِ ایسن
۸۷	—	اصغر رستگار	۳ عقده‌گشاییِ هدا گابلر
۱۲۱	اصغر رستگار	هرمان. جی. ویگان	۴ نگاهی به خانه‌ی عروسک
۱۴۱	—	اصغر رستگار	۵ خانه‌ی دل و خانه‌ی عروسک
۱۸۳	—	اصغر رستگار	۶ قصه‌ی یقینِ گم‌شده
۲۰۷	اصغر رستگار	زیگموند فروید	۷ معمایِ رُسمرس هلم
۲۲۱	—	اصغر رستگار	۸ مرگِ کمال‌بخش
۲۵۵	اصغر رستگار	دِرک راسل دیویس	۹ ارزیابیِ دیگر بارِ اشباح
۲۸۱	—	اصغر رستگار	۱۰ اشباح: جزئی از وجودِ ما

پیشگفتار

ای وای بر آن گوش که بس نغمه‌ی این نای
بشنید و نشد آگه از اندیشه‌ی نایی
سایه

در سال ۱۳۴۸، زمانی که مشرب و مسلک ما جوانان آرمان‌پرست آن روزگار را اندیشه و عمل «تراز نوین» نام‌آوران جنبش چپ رقم می‌زد، کتابی در معرفی ایسن و اندیشه‌ها و آثار او درآمد با عنوان ایسن آشوب‌گرای، کاوشی در زمینه‌ی جامعه‌شناسی هنر، به قلم دکتر امیر حسین آریان‌پور، که خود از مروجان بلندآوازه‌ی اندیشه‌ی تراز نوین در ایران بود. در «توضیح» بسیار کوتاه ابتدای کتاب، به قلم ایشان، جمله‌ی پندآموز و عبرت‌افزایی در پایان آمده بود به این شرح:

در این روزگار، که پریشان‌اندیشی برای خود بازاری دارد،
شاید بررسی سیر و سلوک و شور اجتماعی هنرمند توانایی

که از بد حادثه در مفاک آشوب‌گرایی فروافتاد، برای هنر-آفرینان و هنرپذیران ما نکته‌آموز و عبرت‌انگیز باشد.

استاد آریان‌پور، در این جزوه‌ی ۷۵ صفحه‌ی، اندیشه‌های ایسن را در این چند جمله خلاصه کرده بود:

ایسن بُت‌شکنی ست شهر آشوب، و هدف او سنت‌ستیزی و بندگسلی ست. از این‌روی، جهان‌بینی مثبتی ندارد و مردم را به کاری جز طغیان و تخریب برنمی‌انگیزد. با این‌همه، عوامل مثبتی در جهان‌بینی منفی او یافت می‌شوند.

این که ایسن «جهان‌بینی مثبتی ندارد»، برای ما جوانان آن‌روزگار - که از او فقط خانه‌ی عروسک و اشباح و دشمن مردم را خوانده بودیم و از زندگی و آثار او چیزی نمی‌دانستیم - معنای روشنی داشت چون ما با تعبیرات و تلمیحات مندرج در منشآت «تراز نوین» کاملاً آشنا بودیم و می‌دانستیم که «جهان‌بینی مثبت» یعنی اندیشه‌های مارکسیستی. اما باقی سخنان استاد برای ما روشن نبود، چون باقی آثار ایسن هنوز ترجمه نشده بود و ما آن‌ها را نخوانده بودیم. با این‌همه، چون ما استاد آریان‌پور را صاحب حکمت بالغه در نقد و نظر می‌دانستیم و سخنان‌اش را بی-حکمت نمی‌پنداشتیم و خیال می‌کردیم او این آثار را از جانب ما خوانده است، از سر سادگی و ساده‌انگاری، باقی آرای او را هم صائب انگاشتیم و از آن پس همچون آرای خودیافته بی‌پروا بر زبان می‌راندیم. و این بود و بود تا آن که رفته‌رفته ابرهای تیره‌ی کیش تراز نوین از آفاق بس محدود ذهن‌ها کنار رفت و من چون به خواندن تمامی آثار ایسن نشستیم و، به‌خصوص، با واکنش سخن‌سنجان همعصر او آشنا شدم، به نکته‌ی غریبی برخورددم. دیدم، این که آثار ایسن «مردم را به کاری جز طغیان و تخریب برنمی‌انگیزد»، درست همان خروشی ست که از نهاد ناقدان

کهنه‌آیین و «تراز کهن» همعصر او نیز برآمده است. یعنی، دست کم از این حیث، هیچ توفیری میان «نوآیینان» سنت‌ستیز پرولترمسلك و «کهن‌آیینان» سنت‌پرست بورژوا مشرب نبوده است. و دست کم بر من آشکار شد که این ایسن شوریده‌بخت، از همان لحظه‌ی نخست ایسن شدن‌اش، به تمام معنا خسرالذتیا و الآخرت بوده است و هنوز و همچنان چوب تعنت از چپ و چماق لعنت از راست بر سر‌اش فرود می‌آید. این بود که رفتم و کتاب آریان‌پور را، که سالیان دراز در لُجه‌های خاموشی و فراموشی فروخفته بود، در آوردم و دوباره خواندم، و شگفتا که دریافتم: اگر ایسن در کشورهای غرب ترجمه شد، خوانده شد، به صحنه رفت، و آنگاه آماج تیر طعن و لعن قرار گرفت، در مرز و بوم شیرینکار ما نه ترجمه شد، نه خوانده شد، و نه به صحنه رفت، بل که ساده و سراسر است، یک تن از نامورترین و معتبرترین ناقدان و هنرشناسان مان - بی آن که خود آثار ایسن را خوانده باشد، به اتکای خواننده‌های نامداران جنبش چپ، و به‌خصوص، با تکیه بر آنچه انگلس و پلخانف و مرینگ و لوناچارسکی خوانده (یا دیده) و نوشته‌اند - ایسن را به سکوی تعزیر کشیده و در معرفی او بانگ برآورده است که: ای «هنرآفرینان و هنرپذیران» ساده‌دل و پالوده‌ضمیر وطن، بدانید و آگاه باشید که این مرد، با این سر و سیمای آشفته و ریش‌انبوه و «نقابی از خشونت مصنوعی که بر چهره زده»* و غُران و غضبناک به ابنای تمام اعصار چشم دوخته است:

هنرمند آشوب‌گرایی ست پریشان‌اندیش،

پیامبری ست بی‌پیام

پر خاش جویی ست بی‌پروا

* قطعاً خوانندگان توجه خواهند داشت که در این کتاب، تمام عباراتی که با حروف درشت چاپ شده یا درون گیومه قرار گرفته‌اند از استاد آریان‌پور یا از گوینده‌ی مورد بحث، و تمام عبارات داخل کروشه از من است.